**Journal of Fiqh and Usul**

HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/ Vol. 55, No. 2: Issue 133, Summer 2023, p.123-147

Online ISSN: 2538-3892 Print ISSN: 2008-9139

Receive Date: 09-03-2021 Revise Date: 12-06-2021 Accept Date: 10-07-2021

DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2021.69293.1065 Article type: Original

# A Critical Study of Traditional Jurisprudence Approach to Women's Rights (Foundations and Challenges)

**Dr. Ali Shafi'i**, Doctoral student of the Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Torbat-e Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat-e Heydariyeh, Iran

**Dr. Mansour Amirzadeh Jirkoli**, Asistant Professor, Department of Fiqh and Basics of Islamic Law, Torbat-e Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat-e Heydariyeh, Iran (Corresponding author)

Email: amirzadehj@yahoo.com

**Dr. Mohammadreza Kazemi Golvardi,** Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

**Abstract**

Women's rights are one of the important legal fields facing different views in traditional jurisprudence, all of which are rooted in foundations and methods. The fundamental question is what are the foundations and practical challenges of rebuilding the traditional jurisprudence approach to women's rights. Employing a critical-analytical approach and focusing on the findings of traditional jurists, the present article tries to answer the above question and identify areas in which the approach of traditional jurisprudence in the category of women's rights needs re-reading.

The findings of this research show that the challenges to the traditional approach and its foundations in women's rights are multiplying and increasing, so that it can bring the role of this jurisprudential approach in human life to a crisis, and this involves the need to update and modernize the traditional approach to jurisprudence in order to be present in the public and humanitarian sphere in the surrounding world. In this article, after explaining the concepts, only parts of the challenging foundations of the traditional approach to women's rights have been investigated, including the human personality, the legal personality and the spiritual personality of the woman.

**Key words**: critical analysis, women's rights, traditional jurisprudence, foundations of traditional jurisprudence, challenges of traditional jurisprudence.

Journal of Fiqh and Usul

HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/

سال ۵۵ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۳۳ - تابستان ۱۴۰۲، ص ۱۴۷ - ۱۲۳

شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۳۸۹۲

شاپا چاپی ۹۱۳۹-۲۰۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2021.69293.1065

# خوانش انتقادی رویکرد فقه سنتی به حقوق زنان (مبانی و چالش‌ها)

**دکتر علی شفیعی**

دانش آموخته دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت‌حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت‌حیدریه، ایران

**دکتر منصور امیرزاده جیرکُلی (نویسنده مسئول)**

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت‌حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت‌حیدریه، ایران

Email: amirzadehj@yahoo.com

**دکتر محمدرضا کاظمی‌گلوردی**

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

## چکیده

حقوق زنان یکی از ساحت‌های مهم حقوقی است که در فقه سنتی با دیدگاه‌های متفاوت مواجه است که جملگی ریشه در مبانی و روش‌ها دارد. پرسش بنیادین، چیستیِ مبانی و چالش‌های عملیِ فراروی رویکرد فقه سنتی به حقوق زنان است. این نوشتار با رویکردی تحلیلی‌انتقادی و تمرکز بر ره‌آوردهای فقیهان سنتی می‌کوشد به پرسش فوق پاسخ دهد و معلوم کند رویکرد فقه سنتی در مقولهٔ حقوق زنان در چه ساحت‌هایی نیازمند بازخوانی است. ره‌آوردهای این جستار نشان می‌دهد که چالش‌های متوجه رویکرد سنتی و مبانی آن در حقوق زنان در حال تکثیر و فراوانی است، به‌طوری‌که که می‌تواند نقش‌آفرینی این رویکرد فقهی در زیست انسانی را با بحران مواجه سازد و این امر به ضرورتِ به‌روزرسانی و عصری‌سازیِ رویکرد سنتی به فقه برای حضور در ساحت عمومی و زیست انسانی در جهان پیرامون هشدار می‌دهد. در این نوشتار پس از تبیین مفاهیم، تنها پاره‌ای از مبانی چالش‌برانگیزِ رویکرد سنتی به حقوق زنان؛ همانند شخصیت انسانی، شخصیت حقوقی و شخصیت معنوی زن مورد بررسی واقع شده است.

**واژگان کلیدی:** تحلیل انتقادی، حقوق زنان، فقه سنتی، مبانی فقه سنتی، چالش‌های فقه سنتی.

**مقدمه**

فقه سنتی که در طول تاریخ رویکردهای مختلفی داشته است را می‌توان سامان‌دهندهٔ وضع موجود جهان اسلام در عرصه‌های خصوصی و عمومی مسلمانان دانست و ره‌آوردها و آسیب‌های موجود در جوامع دینی را در پروندهٔ فقه سنتی با همهٔ رویکردهایش نگاشت. می‌توان ادعا کرد که فقه سنتی در جهان کهن خدماتش بسیار بیش از صدماتش بوده است؛ اما در جهان جدید نمی‌توان به‌راحتی این داوری همدلانه را داشت.

این رویکرد فقهی در حوزهٔ مباحث مربوط به حقوق زنان که مبتنی بر روش و مبانی ویژه‌ای است همانند دیگر ساحت‌های مرتبط با زیست انسانی دچار چالش‌ها و پرسش‌های جدی است. پرسش‌هایی که این پژوهش را سبب شده‌اند عبارت‌انداز: مبانی فقه سنتی در ساحت حقوق زنان کدام‌اند؟ این رویکرد فقهی با چه چالش‌هایی مواجه است؟

در خصوص پیشینهٔ بحث باید گفت: مسئلهٔ حقوق زنان به‌عنوان دغدغه‌ای کلان بیش از یک قرن است که در جهان اسلام مدِّنظرِ پاره‌ای صاحب‌نظران قرار گرفته و آثار بسیاری در این موضوع منتشر شده است که از آن جمله می‌توان به آثاری اشاره کرد که هریک تلاش کرده‌اند از زاویه‌ای خاص به مسائل زنان بپردازند که عبارت‌اند از: نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری،[۱] شخصیت و حقوق زن در اسلام، مهدی مهریزی،[۲] دنیای زن، سیدمحمدحسین فضل‌الله،[۳] حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، محمد حکیم‌پور،[٤] رسائل حجابیه، رسول جعفریان،[٥] مسائل حرجه فی فقه المراه،[٦] محمدمهدی شمس‌الدین، بازپژوهی حقوق زن، ناصر قربان‌نیا[۷] و همکاران.

۱. این کتاب مجموعهٔ مقالاتی است که طی سالهای ۴۵تا۴۶ از نویسنده منتشر شده است و در آن به مباحثی همچون شخصیت زن، تفاوت‌های زنان و مردان، پاره‌ای از مباحث مرتبط با حقوق خانواده و حقوق زن و... پرداخته شده است.

۲. در این کتاب به دو بحث مهم شخصیت زن و حقوق خانواده پرداخته شده است که نخستین عرصهٔ عینی شخصیت زن به شمار می‌رود و تلاش شده است تا دیدگاه اسلام گزارش شود.

۳. دنیای زن که به‌صورت گفت‌وگوهایی علمی با مرحوم فضل‌الله است از مباحث کلانی همچون زن در اسلام شروع می‌شود و با پرداختن به پاره‌ای از مباحث چالشی دربارهٔ حقوق زنان ادامه پیدا می‌کند. این کتاب با نام دنیاالمراة در سال ۱۴۱۸ در بیروت منتشر می‌شود و توسط نقش سهروردی ترجمه شده است.

٤. این کتاب در سه دفتر سامان یافته است: دفتر اول: تمهیدات که شامل مبانی و مبادی بحث از حقوق زنان است، دفتر دوم: زن در پیش از اسلام که شامل حقوق و حیات اجتماعی زن در دنیای قدیم و سیمای زن در آیینهٔ ادیان است، دفتر سوم: زن در اسلام که شامل مباحثی همچون؛ اسلام و مسئلهٔ جنسیت، حقوق زن در اسلام و... است.

٥. در این کتاب دو جلدی مجموعهٔ رساله‌ها و مقالات مرتبط با پوشش زنان و در سایهٔ آن برخی دیگر از حقوق اجتماعی و سیاسی زنان در صد سالهٔ اخیر گزارش شده است.

٦. این کتاب که در چهار جلد تنظیم شده به مسائلی همانند نگاه و پوشش، اهلیت زنان برای حکومت، حقوق زناشوئی و... پرداخته است.

۷. این کتاب دو جلدی که به سفارش مرکز مشارکت امور زنان در نهاد ریاست جمهوری تدوین شده است، تلاش کرده تا قوانین مربوط به زنان در جمهوری اسلامی را گفت‌وگو و نقد و بررسی کند.

ویژگی‌های این پژوهش که انجام آن را با همهٔ آثار فراوان انجام‌شده در حوزهٔ مباحث زنـان، توجیه‌پـذیر کرده است عبارت‌اند از: أ. پردازش ویژهٔ رویکـرد فقـه سـنتی بـه حقـوق زنـان و بررسـی انتقـادی مبـانی و چالش‌های آن، ب. کمک به نهادینه‌شدن نگاه فلسفهٔ فقهی و پیامدهای آن در ساحت فقه، ج. تبیـین نقـش مبانی در خروجی فقه فقیهان.

نگارندگان با تفکیک مقولهٔ دین از فهم دینی معتقدند که آنچه در رویکرد سنتی رخ داده است فهمـی از آموزه‌های دینی است که لزوماً تنها فهم ممکن و صحیح نیست، بلکه آموزه‌های دینی اولاً باتوجه‌به ماهیـت سیال و شناوری که دارند و ثانیاً باتوجه‌به نقش جهـان پیرامـونی فهمنـدگان؛ ازجملـه دانش‌هـای پیرامـونی ایشان، تربیت اخلاقی آنان و... ظرفیت فهم‌های متکثر و متفاوتی را دارند.

روشن است بیان چالش‌های متوجه به رویکرد سنتی لزوماً به‌معنای توجه این چالش‌هـا بـه آموزه‌هـای دینی نیست[1] و گمان این‌همانیِ یـک رویکـرد فقهـی بـا آموزه‌هـای شـریعت اثبات‌شـدنی نیسـت؛ چراکـه رویکردهای رقیب نیز مدعی‌اند که فهمشان مبتنی بر همین آموزه‌هاست.

## ۱. مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به اصل بحث که در ضمن دو گفتار پی گرفته خواهد شد، لازم است تعریفی اجمـالی از چند اصطلاح پرکاربرد در این مقاله همانند فقه سنتی، رویکرد انتقادی، مبانی و چالش ارائه شود.

**أ. مفهوم‌شناسی فقه سنتی و مبانی:** فقه سنتی ترکیبی مضاف از دو اصطلاح فقـه و سـنتی اسـت کـه باتوجه‌به طرح فراوان مفهوم‌شناسی فقه[2] و سنتی[3] در منابع مرتبط، تنها به تعریف این اصطلاح ترکیبی اشاره خواهد شد.

فقه سنتی در تلقی عموم صاحب‌نظران فقهی است که ره‌آورد تلاش فقیهان مسلمان شیعی و سنی است و از دیرباز، حاکمِ بر رفتار مسلمانان است؛ ولی در این نوشتار، مراد از فقه سنتی، اجتهـادات و تلاش‌هـای فقیهان است که ویژگی‌های مهمی؛ چون سـلف‌محوری، مسـئله‌محوری، فردمحـوری و شخصـیت‌گرایی، بنیادهای آن را تشکیل داده‌اند.

اصطلاح مبانی نیز دو کاربرد دارد که عبارت‌اند از: ۱. مبانی به‌معنای ادله در کلمات فقیهان و اصولیان،

---

۱. ر.ک: شفیعی و همکاران، تاریخ‌نگاری تحلیلیِ تغییر نگاه به شخصیت و حقوق زنان پساپیامبر (موردپژوهشی؛ زن در عصـر اُمویـان)»، پژوهشـنامه تـاریخ، ۴۷-۶۸.

۲. جناتی، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، ۳.

۳. نصر، اسلام سنتی در دنیای متجدد، ۲۸.

کاربردی متداول دارد. گاه در لسان ایشان وقتی سخن از مبانی علمی یا بحثی به کار مـی‌رود، مـراد ادلـۀ آن علم یا موضوع است؛[۱] ولی برخی به‌درستی معتقدند بین مبنا و دلیل و مبانی و ادله تفاوت وجـود دارد؛[۲] ۲. مبانی به‌معنای پیش‌فرض‌ها و اصول موضوعه.[۳]

در این نوشتار مبانی به‌معنای دوم مدِّنظر است و لذا از ورود به ادلۀ خاص فقیهان سنتی در موارد محل گفت‌وگو پرهیز شده است.

**ب. مفهوم‌شناسی رویکرد انتقادی و چالش**: دیگر اصطلاح به‌کارگرفته‌شده در این نوشتار رویکرد یا نگاه انتقادی است که محصول عقلانیتِ[٤] انتقادی است[٥] و روشی ویژه در مواجهه بـا مسـائل و موضـوعات علمی است. برخی فیلسوفان علم، آن را «نوعی آمادگی برای استماع استدلال‌های نقادانـه، جسـتجو بـرای یافتن اشتباهات خود و درس‌آموختن از آن‌ها» دانسته‌اند.[٦]

روش انتقادی اساساً شیوه‌ای تفکر و حتی شیوه‌ای زیست[٧] اجتماعی است و در تعامل با دیگران اسـت که رشد و معنا پیدا می‌کند. تفکر انتقادی یا تفکر نقادانه (Critical thinking) به‌گفتۀ پوپر، حتـی دربـارۀ بهترین نظریه‌ها همواره مسائل تازه‌ای را آشکار می‌سازد.[٨]

رویکرد این نوشتار عبارت است از: «انتقاد، به معنای پیروی از شـریعت عقـل یـا پیـروی از مجموعـه ارزش‌ها و هنجارهایی است که از عقل سرچشمه می‌گیرند.»[٩]

اصطلاح چالش در ادبیات فارسی بی‌پیشینه نیست؛ اما استفاده از آن با کارکردی ویـژه سـابقۀ چنـدانی ندارد و به‌گمان برخی نویسندگان به دهۀ هفتاد بر می‌گردد.[١٠] از معانی لغوی چـالش کـه بگـذریم می‌تـوان گفت: در ادبیات معاصر، چـالش گـاه در معنـای تعـارض، جـدال و تهافـت[١١] و گـاهی در معنـای مـانع و مشکل[١٢] و دیگر گاه به‌معنای آسیب و آفت[۱] به کار گرفته می‌شود که در نوشتار پیشِ‌رو چـالش می‌توانـد در

۱. شبیب الموسوی، الجهد الأصولی عند العلامه الحلی، ۱۴.
۲. شبیب الموسوی، الجهد الأصولی عند العلامه الحلی، ۱۵تا۱۶.
۳. شبیب الموسوی، الجهد الأصولی عند العلامه الحلی، ۱۴.
٤. عقلانیت (rationality)، عقل ورزی و خردورزی و پایبندی به مقتضیات عقل است.
٥. عقلانیتِ انتقادی مکتبی فکری است که نمایندۀ مهم آن کارل پوپر است. جوزف آگاسی (Josef Agassi)، هانس آلبرت (Hans Albert)، ویلیام دبلیـو، بارتلی) (Williamw Bartley)،... شماری دیگر از فیلسوفانی هستند که در آن سهم دارند.
٦. پوپر، اسطورۀ چارچوب در دفاع از علم و عقلانیت، ۳۰.
٧. پوپر، اسطورۀ چارچوب در دفاع از علم و عقلانیت، ۳۰.
٨. پوپر، اسطورۀ چارچوب در دفاع از علم و عقلانیت، ۲۹۲.
٩. فنایی، اخلاق دین‌شناسی، ۲۰۴.
١٠. ذوعلم، تأملی در مفهوم چالش، ۳۴تا۳۷.
١١. رزاقی، بیم‌ها و امیدها، ۲۹۹.
١٢. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تحقق جامعۀ مدنی در انقلاب اسلامی، ۴۸۳تا۴۸۸.

هر سه کاربرد استعمال شود، اگرچه کاربرد اول (تعارض، جدال و تهافت) هم‌سوتر و هم‌افق‌تر است در خصوص آنچه دغدغهٔ اصلی این جستار است.

## ۲. مبانی چالش‌برانگیز رویکرد فقه سنتی در حقوق زنان

گفتمان سنت‌گرایی که اولین گفتمان شکل‌گرفته در مواجهه با آموزه‌های دینی است، مبانی معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، دین‌شناختی و به‌صورتی ویژهٔ انسان‌شناختی دارد که پاره‌ای از آن‌ها متفاوت‌اند با مبانی رویکردی که از آن به‌عنوان گفتمان نواندیشانه یا روشنفکرانه از دین خوانده می‌شود.[۲]

یکی از پایه‌گذاران مکتب تفکیک[۳] که بخشی از جریان فکر سنتی را تئوریزه می‌کند و از معتقدان به الهیات سنتی است، آن‌گاه که به تقریرِ نسبت علوم بشری و الهی اشاره می‌کند، می‌نویسد: درِ ورود به همهٔ باب‌ها آن است که بدانی در هیچ مسئله‌ای میان علوم بشری و علوم جدید الهی اشتراک نیست...[٤] ایشان در جای دیگری نیز می‌گوید: اما دانش (علم) در علوم الهی متفاوت از علم در علوم بشری است.[٥]

همین تقریر و رأی، مدِّنظر سنت‌گرایان معاصر نیز هست که از پرداختن به آن خودداری می‌شود؛[٦] چراکه پرداختن به همهٔ مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناسانهٔ این دو تلقی در این نوشتار مورد انتظار نیست و لذا تلاش شده است تنها به مهم‌ترین مبانی چالش‌برانگیز رویکرد سنتی در ساحت حقوق زنان و پاره‌ای پیامدهای آن پرداخته شود و از توضیح و تبیین مبانی مشترک ایشان با رویکردهای نواندیشانه خودداری شده است.

### ۲. ۱. زن موجودی در میانهٔ شخص و شخص‌واره

تصویر زن در آرا و تقریرات عالمان مسلمان، اعم از فیلسوفان و متکلمان، مفسران و فقیهان و... تصویری شفاف و یگانه نیست. برخی از ایشان همان نگاهی را که به مردان به‌عنوان یک انسان دارند دربارهٔ زنان نیز ارائه می‌دهند[۷] و معتقدند: زن و مرد از یک سنخ و یک ذات و یک سرشت و خمیرمایه پدیدار شده

---

۱. صاحبی، مناسبات دین و فرهنگ در جامعهٔ ایران، ۲۱۳/۲تا۲۵۳.

۲. نصر، اسلام سنتی در دنیای متجدد، ۲۸ به‌بعد؛ نصیری، «بررسی آموزه‌های کمال الهی در الهیات پویشی ۹۱» ؛ فیومی، مصباح المنیر، ۵۱؛ اصفهانی، ابواب الهدی، ۶۷؛ خباز، صوره المراه فی التراث الشیعی، ۲۵؛ همتی، «مقایسه الهیات معاصر با الهیات سنتی ۳۱»؛ فنائی، اخلاق دین‌شناسی.

۳. حکیمی، مکتب تفکیک، ۱۳۷۳.

٤. اصفهانی، ابواب الهدی، ۶۱.

٥. اصفهانی، ابواب الهدی، ۶۵.

٦. رضوی، در مسیر سنت گرایی سیدحسین نصر و...، ۹۴تا۱۰۲.

۷. نک: فضل‌الله، دنیا المراة؛ شمس‌الدین، مسائل حرجه فی فقه المراه؛ صانعی، مقاربات فی التجدید الفقهی و...

و در حقوق برابرند،[1] اما بسیارند کسانی که تصویری شخص‌واره، شبه‌شخص از زنان ارائه داده‌اند و پاره‌ای دیگر تصویری تاریک‌تر ارائه داده و زنان را تا شیءوارگی[2] و بلکه همسان حیوانات[3] پایین آورده‌اند.

برخی معتقدند تصویر موجود در رویکرد سنتی زنان را نه‌تنها شخص‌وارگانی قلمداد کرده که در خدمت مردان‌اند، بلکه آنان را تنزل داده و به شیءوارگی تقلیل داده‌اند. یکی از نویسندگان معاصر در نقدی بر پاره‌ای اندیشه‌های شیعی دربارهٔ زنان خصوصاً راجع به رابطهٔ زناشویی و احکام فقهی آن می‌گوید: «... و بذلک تتحول المرأة من شخص الی شئ و...»[4] همین نگاه را یکی دیگر از نویسندگان نیز در تقریرش از فقه و آرای فقیهان دارد و این‌چنین می‌نویسد: ...فقه مردانه، زنان مسلمان را تبدیل به اشیا و ادواتی کرده است؛ یعنی این فقه تلاش کرده تا زن را به هیچ بینگارد و آن را به پایین‌ترین درجه برساند.[5]

در ادبیات فقیهان، قرائن و نشانه‌هایی وجود دارد که نمی‌توانیم این انتساب را بیراهه بدانیم. اینکه فقیهانی در نقد پاره‌ای از هم‌کیشان خویش در مسئلهٔ جواز نگاه زن به خواستگارش در مجلس خواستگاری ضمن عدم‌پذیرش رأی ایشان می‌گویند: ... در روایات ما، مرد مشتری زن است و این مشتری است که باید به شیء که می‌خواهد بخرد باید نگاه کند تا دچار ضرر و غبن نشود[6] یا اینکه فقیهان در انجام عمل زناشویی به مردان این حق را داده‌اند که بدون توجه به وضعیت روحی و روانی زنان بتوانند درخواست این عمل را داشته باشند و زن اگر تمکین نکند ناشزه است[7] یا اینکه حکم به جواز خریدوفروش زنان شوهردار و فرزنددار دار الحرب داده‌اند[8] و... این‌ها نشانه‌هایی است که رویکرد فقیهان سنتی به زنان را قرائتی در میانهٔ شخص و شخص‌وارگی قرار می‌دهد.

نگاه شخص‌وارگی یا شیءوارگی به زن در فقه ایشان تأثیر و آرایی را به‌دنبال داشته است که بخشی‌های چالش‌برانگیز فقه سنتی در جهان جدید است که به آن‌ها به اجمال اشاره خواهد شد.

### ۲. ۲. کاستن نقش زنان تا اندازهٔ تولید نسل و تدبیر منزل

---

۱. موسوی غروی، مبانی حقوق در اسلام، ۱۲۴.

۲. این تعبیر در مقدمهٔ قانون اساسی سال ۱۳۵۸ هم آمده است. «... زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت شئ‌بودن و یا ابزار بودن در خدمت اشاعهٔ مصرف‌زدگی و استثمار خارج شده و...»

۳.فاضل کاظمی، مسالک الأفهام، ۳ /۱۷۹؛ صدرالدین شیرازی، الأسفار الأربعه، ۱۳۶/۷؛ محقق حلی، شرائع الإسلام، ۱۸۶/۱؛ محقق سبزواری، کفایة الأحکام ۱۹۴/۲؛ عظیمی‌نژادان، زن، معمار جامعهٔ مردسالار، ۶۹.

٤. حائری، المتعة، ۱۰۸.

۵. فرج، امراة الفقهاء و امراة الحداثة: خطاب اللامساواة فی المدونة الفقهیة، ۱۰۲.

٦. بحرانی، الحدائق الناضرة، ۴۶/۲۳، برای تفصیل بحث ر.ک: امیرزاده جیرکُلی، «مشتری‌انگاریِ زوج در احادیث باب نکاح و پیامدهای آن در آرای فقهای امامیه»، ۲۹ تا ۵۴.

۷. ذویب، جدل الأصول و الواقع، ۵۸۵.

۸. محقق حلی، المختصر النافع، ۱۸۶/۱؛ محقق سبزواری، کفایة الأحکام، ۱۹۴/۲.

یکی دیگر از مبانی ویژهٔ این رویکرد هدف خلقت از زنان در این قرائت است. هـدف خلقـت از زنـان چیست؟ فهم سنتی چون مردمحور است، لذا پاسخش از زبان خواجه نصیرالدین طوسی این است که: زن خلق شده است برای خدمت‌کردن به مرد...[۱]

قرائت سنتیِ شکل‌گرفته از آموزه‌های دینی این است که زن برای دو امر مهمِ تولید نسل و تربیـت نسـل خلق شده و وظیفهٔ اصلی وی «وظیفة المنزل» است.[۲] برخی هویت زن را چنان با فرزندآوری گره زده‌اند که می‌گویند: زنان باید پیوسته حامله باشند یا شیر دهند.[۳]

یکی از فقیهان معاصر در نگاهی انتقادی به پاره‌ای مبانی فقهی دربارهٔ زنان می‌نویسد: مـادر بـه اعتبـار همسربودنش بر پاره‌ای مبانی فقهی تا بدان‌جا می‌رود که حرمت و کرامـت انسـانی‌اش مـورد خدشـه قـرار می‌گیرد، به‌گونه‌ای که ارزشش بیش از موجودی جنسی و تدبیرکنندهٔ منزل فراتر نمی‌رود.[٤]

یکی از پژوهشگران دربارهٔ تأثیر تاریخ مذکر و فرهنگ مردانه بـر مسـائل زنـان می‌نویسـد: حقیقـت آن است که نفی و تردید در استعداد و صلاحیت زنان برای قضاوت و اصدار حکم از سوی فقیهان پیش از آنکه مبتنی بر دلایل و توجیهات محکم نقلی و عقلی باشد، مولود نوع نگرش و ذهنیت‌هایی است کـه در سـابق راجع به زن وجود داشته است و قابلیت‌های اجتماعی او به دلایلی نادیده گرفته شده است. از جمله به‌لحاظ غلبهٔ تفکرِ مبتنی بر ناقص‌العقل‌بودنِ او یا به‌دلیل اینکه پـاره‌ای از فقیهـان شـیعی و سـنی بـرای زن در نظـام تکوین تنها دو وظیفهٔ اساسی و مهم را به تصویر کشیده‌اند که عبارت است: ۱. وظیفة الزوجة، شوهرداری؛ ۲. وظیفة الأمومة، مادری؛[٥] ازاین‌روست که گاه با پاره‌ای آموزه‌ها مواجه می‌شویم کـه نگـاهی تأمـل‌برانگیز راجع به زنانی دارد که این ویژگی طبیعی، یعنی قدرت تولید نسل را ندارند.

شیخ حر عاملی به‌نقل از کتاب عوالی اللئالی از پیامبر(ص) نقـل می‌کنـد کـه فرمـوده اسـت: حصـیر به‌هم‌پیچیده در گوشهٔ خانه بهتر است از زنی که توان تولید مثل نـدارد.[٦] ایشـان شـبیه همـین روایـت را نیـز به‌نقل از شیخ مفید این‌گونه آورده است: پیامبر(ص) در حدیثی به علی(ع) می‌گویند: حصیر در گوشهٔ خانه بهتر است از زنی که نمی‌تواند زایش داشته باشد.[۷]

---

۱. ملکیان، الإسلام و النسویة، ۳۶.

۲. خباز، صورة المرأه فی التراث الشیعی، ۲۰؛ حسینی طهرانی، ترجمهٔ رسالهٔ بدیعه، ۳۵

۳. حسینی طهرانی، کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکرهٔ مسلمین، ۴۲.

٤. شمس‌الدین، مسائل حرجه فی فقه المرأه، ۲۳/۱.

٥. قوسی، حکم الإختلاط، ۲۵.

٦. ابن‌ابی‌جمهور، عوالی اللّئالی، ۲٥۸/۱.

۷. مفید، المقنعة، ۱۳۲.

یکی از فقیهان معاصر در تحلیل این روایات، جمع‌بندی‌اش را این‌گونه ارائه می‌دهد که بازتاب‌دهندهٔ رأی سنتی و مشهور در میان فقیهان مسلمان است. ایشان می‌گوید: در چندین روایت این باب (ازدواج) آمده است که فلسفه و حکمت ازدواج تولید نسل و افزایش امت مسلمان است.[۱]

این مبنای چالشی که به کاستن شأن و نقش زنان در زیست انسانی در قامت تولید مثل و تدبیر منزل می‌انجامد، اگر هم در جهان گذشته رأی کم‌چالشی بود، هرچند نمی‌توان از تبعات محرومیت‌ساز آن برای زنان در همان جهان قدیم نیز به‌راحتی گذشت، اما در جهان جدید و در مقام استنباط، چالش‌های بسیاری به‌دنبال داشته و دارد که از محرومیت زنان از اشتغال و تحصیل شروع می‌شود و تا عدم‌امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های ایشان در عرصه‌های اجتماعی و عمومی تداوم پیدا می‌کند.

### ۲. ۳. نسبت‌سنجی زن با کمال و معنویت

یکی دیگر از مبانی فقه سنتی، نسبت‌سنجی زنان با کمالِ انسانیت و معنویت است. انسان و به‌ویژه زنان در فقه سنتی گاه راجع به کمال انسانی داوری و ادعای عدم‌کمال انسانیِ ایشان یا برتری مردان بر آنان[۲] مطرح و تئوریزه شده است[۳] و دیگرگاه در خصوص کمال معنوی داوری و ادعا شده است که جنس زن در کسب کمال معنوی نسبت به مردان ناتوان است که این خود عاملی برای تضییق حقوق ایشان شده است.

این نگاه را پاره‌ای فیلسوفان و متألهان غیرمسلمان نیز داشته‌اند. نویسندهٔ کتاب عقل مذکر در اشاره به رأی آکوئیناس می‌نویسد: آکوئیناس در یکی از بخش‌های بعدی «جامع الهیات» بر این قول ارسطو صحه می‌گذارد که زن را به‌درستی نمی‌توان پارسا دانست، زیرا زنان به‌علت بی‌ثباتی عقلی و چون به آسانی عنان از دست می‌دهند و بی‌درنگ به‌دنبال خواهش‌های نفس می‌روند{موجوداتی} متزلزل‌اند.[۴]

یکی از نواندیشان با اشاره به مؤلفه‌های تفکر مردسالار در اشاره به رأی فیلسوفان پیشین می‌گوید: ارسطو ادعا می‌کند که ضعف اخلاقی در زنان بیشتر از مردان است.[۵]

بعضی از فقیهان، دوری و نزدیکی به خداوند را که امری معنوی است با جنسیت انسان مرتبط دانسته و فتوا داده‌اند که جنس مرد زمینهٔ تقرب به خداوند و کمال را بیشتر از جنس زن داراست. شیخ طوسی در بحث نماز میت این نظریه را از شافعی نقل و تأیید می‌کند.[۶] اینکه فقیهی دوری و نزدیکی الهی را با

۱. بروجردی، جامع احادیث الشیعة، ۶۱/۲۰.

۲. حسینی طهرانی،مطلع الانوار، ۲۵۲/۷؛ حسینی طهرانی، رسالهٔ بدیعه، ۵۶.

۳. عراقی، کتاب القضاء، ۳۰۶.

۴. لوید، عقل مذکر: مردانگی و زنانگی در فلسفهٔ غرب، ۶۹.

۵. ملکیان، مشتاقی و مهجوری، ۳۲۵.

۶. طوسی، خلاف، به‌نقل از، جزوهٔ درسی استاد مهریزی، مکتب‌شناسی فقهی، همچنین می‌توان از فروع کافی نیز یادی کرد که کلینی بابی را گشوده است

جنسیت انسان مربوط می‌داند به انسان‌شناسی وی بر می‌گردد که نسبت به فقه‌اش دانشی پیشینی دارد.

احکام و تکالیف الهی به تصریح شریعت و آرای فقها باید متناسب با مکلف باشند. برخی فقیهان رعایت تناسب تکلیف و مکلف را نشانهٔ نقصان یک جنس و کمال دیگر دانسته‌اند.

یکی از فقیهان با اشاره به فرع فقهیِ فقدان آب لازم و نیاز زن و شوهری به آب برای انجام غسل می‌گوید: دو رأی فقهی می‌توان داشت که رأی دوم را اختصاص‌دادن آب به مرد برای غسل است؛ چراکه مردان استحقاق بیشتری از زنان برای کمال دارند.[1]

همین نگاه را شیخ طوسی در بحث جایزنبودن قضاوت برای زنان نیز دارد و این‌چنین می‌نویسد: شرط سوم قاضی آن است که در خلقت و احکام کامل باشد و کمال در احکام آن است که بالغ، عاقل، آزاد و مرد باشد.[2]

برخی فقیهان نیز معتقدند بین عدالت و جنسیت ربط وثیقی هست. ایشان در بحث حضانت دربارهٔ شروط حاضنه (کسی که ولایت کودک را می‌خواهد برعهده گیرد) بحث عدالت را مطرح می‌کنند و دربارهٔ اینکه عدالت، شرط حاضنه نیست، چنین می‌گویند: سخن در شرط عدالت در حاضنه است که در زنان کمتر یافت می‌شود[3] و درادامه و تکمیل بحث خویش چنین نویسند: «...خصوصاً مع غلبة الفسق فی‌النساء...»[4] فسق در زنان غلبه دارد.

این دو گزاره که «زنانِ عادل، کم‌اند» و «زنان فاسق، بسیار»، بعید است مبتنی بر استقرا و آمار یا احیاناً نگرش تاریخی به زنان باشد؛ چراکه گسترهٔ حضور در اجتماع و عرصه‌های آن چهرهٔ واقعی را بهتر و راحت‌تر به تصویر می‌کشد تا حضور اندک یا عدم‌حضور که زنان شوربختانه یا خوش‌بختانه از این حضور محروم بوده‌اند و لذا به نظر می‌رسد این داوری‌ها، تنها برایند و فرایند انسان‌شناسی این فقیهان است.

ادامهٔ این نگاه تا آنجا پیش رفته است که برخی فقیهان گمان کنند زنان ابزاری برای دوری مردان از خدا هستند. فیض کاشانی در اشاره به آفات ازدواج ازجمله می‌گوید: یکی از آفات ازدواج این است که زن و فرزند مرد را از خدا دور می‌کنند.[5] یکی از نویسندگان در تقریر رأی این فقیه سنتی می‌نویسد: زن به‌طریق مستقیم و غیرمستقیم دورکننده از خداست و لذا سالک به‌سمت خدا باید از وی دوری کند تا وی با

---

تحت‌عنوان «فی قلة الصلاح فی النساء» و احادیثی را نیز به همین مضمون گردآوری کرده است. کلینی، کافی، ۵۱٤/۵.

۱. علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۲۲۳/۲.

۲. طوسی، المبسوط فی فقه الأمامیة، ۱۰۱/۸.

۳. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۲۸۹/۳۱.

٤. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۲۸۹/۳۱.

۵. فیض‌کاشانی، عقبات الدنیا، ۱۲٤.

فتنه‌گری مرد را از آخرت دور نکند.[۱]

البته اگر فقیهی اصل تشکیل نهاد خانواده را برای هریک از مردان و زنان، اسباب دوری از خدا بداند شاید توجیه‌شدنی باشد، اما وقتی این سخن یک‌سویه گفته می‌شود باید به آن توجه ویژه‌ای داشت.

آیا نمی‌توان همین رأی فیض کاشانی را دربارهٔ زنان نیز گفت؟ یعنی نمی‌توان گفت مرد و فرزند و زندگی، زن را از خدا دور می‌کند؟ به نظر می‌رسد اصل این نگاه از بنیاد نقدشدنی است؛ چراکه همان گونه که در روایات ما نیز وارد شده است انسان‌ها باید زندگی خویش را مدیریت کنند و سهمی از آن را به عبادت و سهمی هم به زن و زندگی و مرد و زندگی اختصاص دهند.[۲]

رویکرد سنتی به زنان و حقوق ایشان تا آنجا پیش رفته است که یکی از فقیهان معتقد به این رویکرد را بر آن داشته است تا در احکام دخول، واردشدن داماد بر عروس، نکاتی چند را بیان می‌کند، ازجمله می‌گوید: «و یسأل الله الولد الذکر السوی الصالح»؛ یعنی داماد هنگام ورود بر عروس از خدا پسر سالم و صالح بخواهد.[۳]

این تذکر به دعاکردن برای فرزند پسر چه معنایی دارد؟ آیا غیر از این است که نگاه این فقیه و فقیهان همراه وی، به زن و دختر نگاهی ویژه است، به‌گونه‌ای که اگر دقت شود آیا این نوعی دیگر از حذف فیزیکی دختران از جامعهٔ انسانی نیست که قرآن از آن به کشتن دختران تعبیر یاد می‌کند؟ این فقیه اگر متوجه سخنش بود و نگاه به پیامدها و نتایج این رأی خویش را داشت آیا نباید به این چالش پاسخ می‌داد که اگر همهٔ دعاها مستجاب شد و هم پسر شد، آنگاه تداوم و تولید نسل را چه باید کرد؟ این‌ها نشان می‌دهد که مبانی فقهی و توجه به ظواهر و نصوص، گاه درک واقعیت را برای یک فقیه سخت می‌کند.

این مبنای رویکرد سنتی در دوران معاصر نه‌تنها توسط نواندیشان دینی به چالش فراخوانده شده است، بلکه توسط برخی معتقدان به مبانی و روش‌های رویکرد سنتی نیز محل تردید و انکار قرار گرفته است. یکی از فقیهان و مفسران معاصرِ سنتی، با اشاره به آیات قرآن می‌گوید: در آیات متعددی از قرآن کریم تصریح شده است که ایمان و کمال و هدایت در دنیا و رستگاری و نجات و سعادت در آخرت هیچ ارتباطی با جنسیت ندارد.[۴]

### ۲. ٤. فرودستی زنان

۱. خباز، صورة المرأة فی التراث الشیعی، ۱۰۷.

۲. «إجتَهِدوا أن یَکونَ زَمانُکُم أربَعَ ساعاتٍ: ساعَةً مِنهُ لِمُناجاةِ اللّه ـ و ساعَةً لِأمر المَعاشِ و ساعةً لِمُعاشَرَةِ الإخوانِ و الثِّقاتِ و الَّذینَ یُعَرِّفُونَ عُیُوبَکُم و یَخلِصونَ لَکُم فِي الباطِنِ و ساعَةً تَخلُونَ فِیها لِلَذّاتِکُم و بِهذِهِ السّاعَةِ تَقدِرُون عَلَی الثَّلاثِ ساعاتٍ». علی‌بن‌موسی، فقه‌الرضا، ۳۳۷.

۳. شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۹۲/۵.

٤. جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام، ۳۰۷.

یکی دیگر از مبانی رویکرد سنتی، اعتقاد ایشان به فرادستی مردان و فرودستی زنان است. این مبنا در پاره‌ای از آرای فقهی بازتاب داشته است که از آن جمله می‌توان به رأی یکی از فقیهان معاصر در بحث قضاوت زنان اشاره کرد که می‌گوید: تردیدی نیست که ساحت و جهات برتری در نوع مردان بر زنان وجود دارد، ساحت‌های برتری خَلقی و خُلقی که این برتری‌ها در نوع زنان نیست. گواه این برتری‌ها را در نبوت مردان و امامت و ولایت ایشان می‌توان دید.[۱]

همین نگاه در فقیهان پیشین نیز بوده است. سیدمرتضی در بحث قصاص و در فرع فقهیِ قصاصِ مرد به‌سبب قتل زن، پس از آنکه اشاره می‌کند که می‌توان قصاص را انجام داد ولی باید مازاد بر دیه را به ورثۀ مرد پرداخت (فاضل دیه)، در تعلیل این حکم می‌گوید: دلیل ما بر صحت آنچه که بدان حکم دادیم اجماع است و به‌دلیل آن است که جان زن مساوی جان مرد نیست، بلکه زن نصف مرد است. پس وقتی که می‌خواهیم جان انسانی کامل را در برابر ناقصی بگیریم باید مازاد را پرداخت کنیم.[۲]

این نگاه تا جایی رفته است که یکی از فقیهان در احکام دخول، واردشدن داماد بر عروس، نکاتی چند را بیان می‌کند؛ ازجمله می‌گوید: «و یسال الله الولد الذکر السوی الصالح»؛ یعنی داماد هنگام ورود بر عروس از خدا پسر سالم و صالح بخواهد.[۳]

## ۳. بررسی پاره‌ای چالش‌های رویکرد فقه سنتی در حقوق زنان

فقه سنتی باتوجه‌به مبانی‌ای که دارد در جهان جدید با چالش‌هایی مواجه شده است که توجه و تمرکز بر آن‌ها برای کمک به رهایی آن از بحران، امری ضروری است. البته می‌توان ادعا کرد که این چالش‌ها در ادوار پیشینِ زیست انسانی نیز وجود داشته است اما دغدغه‌ها و رنج‌های فیزیکال و ناظر به معیشت و جسم انسان‌ها در آن دوران چنان فراوان بوده است که این چالش‌های حقوقی زیست انسانی به‌ویژه مرتبط با زیست زنان، اولویت‌های آنی و اولیۀ ایشان نبوده است و لذا با آن کنار می‌آمده‌اند.

البته پرداختن به همۀ چالش‌های متوجهِ فقه سنتی فرصتی فراخ و متنی مفصل می‌خواهد که در این جستار تلاش می‌شود تا به پاره‌ای از آن‌ها اشاره شود.

### ۳. ۱. چالش‌های رویکرد فقه سنتی در ساحت اجتماعی‌عمومی

یکی از ساحت‌هایی که به‌دلیل گستردگی مباحث آن بیشترین چالش‌ها را فراروی رویکرد سنتی به

۱. گلپایگانی، کتاب القضاء، ۱/٤٥تا۵۰.
۲. علم‌الهدی، الإنتصار، ۲۷۰.
۳. شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۹۲/۵.

حقوق زنان قرار داده است، ساحت اجتماعی و عمومی است. آرای فقیهانِ معتقد به رویکرد سنتی در این ساحت در فروعاتی همچون؛ زنان و مرجعیت دینی، زنان و مدیریت سیاسی، زنان و قضاوت[۱] و شهادت و...، زنان و روابط اجتماعی با مردان و... با چالش‌های جدی روبه‌روست که برای نمونه تنها از این میان به زنان و مرجعیت دینی می‌پردازیم و چالش‌های متوجه به این موضوع مطرح می‌شود.

**أ. زن و مرجعیت دینی در رویکرد سنتی**: یکی از چالش‌های ساحت عمومی، بحث مرجعیت زنان است. آیا زنان حق دارند مرجع تقلید شوند؟ فقیهان که به گواه تاریخ، همه مرد بودند،[۲] آن‌گاه که در مقام تبیین شرایط مرجعیت بودند، یکی از شرایط را ذکوریت، یعنی مردبودن دانسته‌اند. این رأیِ تقریباً مشهور فقیهان شیعی[۳] است که البته در مراجعه به منابع روایی نمی‌توان به‌وضوح با این رأی همراهی کرد.

این چالش به چند دلیل مهم ایجاد شده است: ۱. تغییر نقش و کارکرد مرجعیت در جهان معاصر، ۲. تغییر روش و شیوه‌های اِعمال مرجعیت، ۳. تفاوت شیوهٔ احراز جایگاه مرجعیت.

در جهان جدید هم اِعمال نقش مرجعیت و هم اِحراز آن در جهان جدید تفاوت‌های مهمی با جهان گذشته پیدا کرده‌است و در هنگامهٔ استنباط یا در مقام افتا نباید به این تفاوت‌ها توجهی کرد.

علاوه بر نقدهای سندشناسانه‌ای که به مستندات پاره‌ای فقهیان معتقد به عدم‌جواز مرجعیت برای زنان شده است، در جهان جدید برخلافِ جهان گذشته و باتوجه‌به وجود رسانه‌های آموزشی و مجازی در دسترس دیگر، حتی نیازی به حضور در مدارس و کرسی‌های تدریس و تعلیم و تعلم به‌اندازهٔ گذشته نیست، ضمن آنکه اصدار فتوا و مدیریت مقلدان نیز دیگر نیازمند به تعامل حضوری ندارد تا برخی بخواهند با استناد به اموری؛ همچون عورت‌بودن زنان، عدم‌جواز ارتباط و اختلاط زن و مرد و... حکم به محرومیت زنان از منصب مرجعیت بدهند.

یکی از فقیهان معاصر با اشاره به بحث در فقه شیعه می‌گوید: «فهناک الکثیر من‌الفقهاء- و نحن منهم لایجدون...»؛ بسیاری از فقیهان که من هم از ایشان هستم منعی برای اخذ فتاوای زنان نمی‌بینم. برای همین هم اگر زنی مراتب اجتهاد را در یابد، اصل عقلیِ رجوع جاهل به عالم دربارهٔ وی هم صدق می‌کند و منعی برای مراجعه به وی نیست.[٤]

یکی از فقه‌پژوهان معاصر در گزارش تاریخی ورود این بحث -شرط ذکورت در مجتهد- می‌نویسد:

۱. حسینی طهرانی، مطلع الأنوار، ۲۷۰/۷.

۲. فضل‌الله، دنیا المرأة، ۳۸۰.

۳. فقیهان اهل‌سنت در این رأی با مشهور فقیهان معاصر شیعی مخالف بوده و از همان ابتدا نیز شرط ذکورت را از شرایط مجتهد قرار نداده‌اند. نک: مجموعهٔ مؤلفان، فقه المرأة، ۷۷.

٤. فضل‌الله، دنیا المرأة، ۳۷۹.

اولین کسی که این بحث را وارد فقه شیعه کرد، شهید دوم است.[۱]

وی با اشاره به اینکه شهید دوم ادعای اجماع بر این نکته کرده است بـه رأی وی اشـاره می‌کنـد و ادامـه می‌دهد: «و فی الغیبة ینفذ قضاء الفقیه الجامع لشرائط الافتاء، و هی: البلوغ، و العقل، و الذکورة...»[۲]

این رأی پس از شهید نیز مدِّنظر جدی قرار نگرفت، به‌گونه‌ای که حتی فقیهی مثـل شـیخ انصـاری کـه معروف به تفریعات در فقه است، در رساله‌ای که با عنوان «الإجتهاد و التقلید» نوشته و بـه شـرایط مجتهـد پرداخته است، از ذکوره (مردبودن)، هیچ یادی نکرده است؛ ولی در دوران معاصر و بـه‌ویژه پـس از انتشـار کتاب فتوایی عروة الوثقی، حاشیه‌های تأییدی فراوان یافت، به‌گونه‌ای که تبدیل به رأی مشهور معاصران شد.

این رأی پرسش‌ها و چالش‌های چندی دارد که ازجملهٔ آن‌ها می‌توان به این نکات اشاره کرد: أ. چـالش ناتوانی ادله در مستندسازی این رأی؛ همان گونه که اشاره شد پاره‌ای از فقیهان معتقدنـد ادلـهٔ اقامه‌شـده از طرف مدافعان این رأی، قدرت و قوّت اثبات این رأی و حجیت استنادی بـه شـارع را ندارنـد؛[۳] ب. چـالش مخالفت این رأی با ارتکـازات عقلائیـه؛[٤] ج. پـاره‌ای روایـات و سـیره‌های نقل‌شـده از امامـان؛[۵] د. نقـش جنسیت در فهم و تأثیرپذیری این رأی از جنسیت فقیهان.[٦]

### ب. زن و قضاوت در رویکرد سنتی

یکی دیگر از چالش‌های ساحت عمومی، بحث زن و قضاوت است. فقیهان سنتی برای قاضی شرایطی برشمرده‌اند که یکی از آن شروط، مردبودن قاضی است.

تا قرن پنجم، مردبودنِ قاضی اگر هم متفاهم فقیهان بود، ولی شهرت فتوایی نداشت[۷] و فقیهان هرچنـد از قضاوت سخن گفته‌اند، اما به‌صراحت مردبودن قاضی را مطرح نکرده‌اند.[۸]

طرح جدی و حداکثری عدم‌جواز قضاوت زنان توسط فقیهانی چند[۹] پس از قرن پنجم وارد فقه شـیعی شد و در بازهٔ زمانیِ کوتاهی تبدیل به رأی مشهور شد و آرای کسانی مثل مجلسی اول که معتقد بودند: «اگر یک زن عالمه، واجد تمام شرایط و صفاتِ لازم برای امر قضاوت باشد، داوری‌اش برای امور زنانه یـا امـور

---

۱. مجموعهٔ مؤلفان، فقه المرأة، ۷۹تا۸۰.

۲. شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ٦۳/۳.

۳. حب‌الله، المرأة فی لبفکر الإسلامی المعاصر، ۱۹۵.

٤. حب‌الله، المرأة فی لبفکر الإسلامی المعاصر، ۱۹۵.

۵. حب‌الله، المرأة فی لبفکر الإسلامی المعاصر، ۱۹۵.

٦. فضل‌الله، دنیا المرأة، ۳۷۹.

۷. حکیم‌پور، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، ۲۱۵.

۸. مفید، المقنعة، ۱۱؛ ابن‌ادریس، السرائر، ۱۵۲/۲، ابوالصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، ٤۱۲ و... .

۹. محقق حلی، شرائع الإسلام، ٦۰/٤؛ علامه حلی، منتهی المطلب، ۱۳۸/۲؛ شهید اول، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۹٤/۱.

مشترک بین زن و مرد جایز است»،[۱] شنیده نمی‌شد.

عدم‌جواز قضاوت زنان در آرای پاره‌ای از فقیهان چنان قطعی است که مرجعیت زنان را نیز به آن تشبیه کرده و تلاش کرده‌اند با مشابه‌سازی این مقوله با قضاوت و بهره‌گیری از اصل و قاعدهٔ اولویت، رأی عدم‌جواز قضاوت را به آنجا نیز تسری دهند[۲] که به نظر می‌رسد همانند پاره‌ای از مشابهت‌سازی‌ها، دیگر از بنیاد درخورِ نقد باشد. افزون بر آنکه پاره‌ای فقیهانِ معاصر، آیات ناظر به قضاوت را دارای ظرفیتی گسترده دانسته و سخن از شمول آن آیات راجع به زنان گفته و قاعدهٔ اشتراک را مجوزی برای جواز تصدی قضاوت زنان خوانده‌اند.[۳]

این مشابه‌سازی‌ها هرقدر هم دقیق و عالمانه باشد و حداکثر سویه‌های آن دو را ببیند باز هم مجوزی برای سرایت حکم یکی به دیگری نمی‌شود. یکی از فقیهان در نقد این نگاه در مشابه‌سازی احکامی مثل قضاوت و مرجعیت می‌گوید: شرط مردبودن در قضاوت معلول علل متعدد جامعه‌شناختی و سیاسی و اجتماعی است که نمی‌توان آن را به مرجعیت تسری داد. ضمن آنکه بنیاد این همسان‌سازی محل تردید است.[۴]

علاوه بر این بحث می‌توان از حجم حضور زنان در دادگاه‌های خانواده و غیرخانواده نیز سخن گفت. زنان حداقل همان‌گونه که برخی فقیهان نیز گفته‌اند چرا نباید در پرونده‌های مربوط به زنان و خانواده بتوانند قضاوت کنند؟ زنان اکنون برخلاف گذشته پرونده‌های اقتصادی و سیاسی و امنیتی در دادگاه‌ها دارند، چرا نباید این ظرفیت را به زنان داد که در این دادگاه‌ها توسط هم‌جنسان و هم‌نوعان خویش داوری شوند؟

### ۳. ۲. چالش‌های رویکرد فقه سنتی در ساحت عبادات

ساحت عبادات یکی از حوزه‌هایی است که رویکرد سنتی به زنان در آنجا با چالش‌ها و پرسش‌هایی مواجه شده است؛ ازجمله این ساحت‌ها عبارت‌اند از: زن و حضور در جمعه و جماعات، زن و امامت جمعه و جماعت، زن و انجام نذورات و صدقات، زن و اقدام به صوم و صلات‌های نذری و استحبابی و...

در ادامه، تنها به دو مورد از آن‌ها می‌پردازیم.

#### أ. زن و حضور در جمعه و جماعت

جمعه و جماعت‌های عبادی از اموری است که به‌صورت طبیعی باید دارای مطلوبیت برای همهٔ

۱. مجلسی، روضة المتقین، ۱۹۱/۱۲.
۲. خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ۲۲٤/۱.
۳. محسنی، القضاء و الشهادت، ۲۲.
٤. خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ۱/ ۲۲٥.

انسان‌ها باشد؛[۱] چراکه به رشد معنوی و اخلاقی ایشان کمک می‌کند. این کارکرد طبیعی برای عبادات جمعی در جهان معاصر با برخی نکات دیگر نیز درآمیخته است که حضور مؤمنان را در این فریضه‌ها مطلوب‌تر و بلکه به حد ضرورت می‌رساند.

امور عبادیِ جمعی در جهان جدید، تنها کارکرد رشد و تعالی معنوی و اخلاقی ندارند، بلکه می‌توانند تبدیل به ظرفیت‌هایی برای رشد اجتماعی و فرهنگی و سیاسی مؤمنان نیز بشوند.

نگاه سنتی فقهی، زنان را به‌راحتی از این ظرفیت معنوی و اجتماعی محروم می‌کند، درحالی‌که همان‌گونه که اشاره شد این نگاه گمان می‌کند که کمال معنوی در زنان کم است. به‌صورت طبیعی اگر این‌گونه است که به گمان نگارندگان این‌گونه نیست، باید ظرفیت حضور ایشان را در این موقعیت‌های معناآفرین و اخلاق‌افزا بیشتر فراهم کرد، نه اینکه با محروم‌کردن ایشان از امری که ساحت اصلی و کارکرد مهم آن عبادی و معنوی است زنان را در محرومیت مضاعفِ معنوی قرار داد.

یکی از صاحب‌نظران در تقریری همدلانه با رویکرد سنتی به مقولهٔ زن و جمعه و جماعات می‌نویسد: مبنای کلی فقها، مطلوبیت پرهیز زنان از حضور در اجتماعات است.[۲] ایشان نیز ادامه می‌دهد که فقیهان معتقدند: اینان، زنان، الزامی به حضور در نماز جمعه ندارند و به‌عبارت دیگر، ذکوریت یکی از شرایط وجوب این نماز است، چه در حضور امام(ع) و چه در غیبت. این اتفاق‌نظر چنان فراگیر است که علامه حلی از آن این‌گونه یاد می‌کند: این گفتهٔ تمام کسانی است که اثر و گفته‌ای فقهی از آنان مانده است.[۳]

این رویکرد البته مبانی مختلفی می‌تواند داشته باشد ولی یکی از مبانیِ روشن آن، تقسیم عبادات به عبادات جمعی مردانه و زنانه است که در ادبیات علامه حلی این‌گونه بازتاب داشته است: زن اهل حضور در مجامع مردانه نیست.[٤]

این تفکر چالش‌برانگیز در دوران معاصر نیز رأی بسیاری از فقیهان است که برای نمونه می‌توان از سیدمحمد صدر که در پاسخ به سؤالی که مطرح کرده و از شرایط وجوب نماز جمعه سخن گفته است یاد کرد که می‌نویسد: مردبودن، شرط وجوب نماز جمعه است و لذا «فلاتجب علی النساء»؛ نماز جمعه بر زنان واجب نیست.[۵]

---

۱. جالب است که ادبیات به‌کاررفته در قرآن هم عمومیت و هم شمول را افاده می کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (جمعه: ۹).

۲. مرتضوی، نگاهی فقهی به حضور زنان در عبادت‌های جمعی، ۱۰۹.

۳. علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب،٥/ ٣٦٥.

٤. علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب،٥/ ٣٦٥.

۵. صدر، منهج الصالحین، ۱۳۱/۱.

به‌راستی اگر در جهانِ گذشته، مطلوبیت بر عدم‌حضور اجتماعیِ زنان بوده است و همان به حضور زنان در جمعه و جماعت نیز تسری داده می‌شد، در عصر جدید نمی‌توان به‌راحتی سخن از آن مطلوبیت گفت. وقتی حضور زنان در بسیاری از عرصه‌هایی که تا پیش از این عرصه‌های ممنوعه بوده است؛ همانند تحصیل و اشتغال زنان، حضور در مناصب و ساحت‌های سیاسی و اجتماعی و...، به رسمیت شناخته می‌شود، آیا می‌توان از عدم‌مطلوبیت حضور زنان در جمعه و جماعت سخن گفت؟

**ب. زن و چالشِ امامت جمعه و جماعت**

یکی از چالش‌های جهان جدید، چرایی عدم‌جواز حضور زنان در پاره‌ای مناصب عبادی و دینی است؟ چرا زنان نمی‌توانند امامت جمعه و جماعت شوند؟ چقدر از این ممنوعیت زاییدهٔ ذهنِ مستنبطان و مجتهدان است؟ سنت‌گرایان معتقدند: چون یا ادله‌ای بر جواز نداریم یا بلکه بالاتر دلیل بر منع داریم و این ادله هم فرازمانی و فرامکانی‌اند، لذا زنان نمی‌توانند این جایگاه‌های معنوی را اختیار کنند.

این برداشت‌ها را ابتدا در مقولهٔ امامت جماعت زنان برای زنان می‌بینیم که نه با تستر ایشان و نه با حجاب ایشان تعارضی ندارد، سپس به بحث امامت ایشان برای مردان بپردازیم.

**امامت جماعت زنان برای زنان:** آیا زنان می‌توانند امامت جماعت برای زنان را عهده‌دار شوند یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال، شهرتی شکل نگرفته است، همان گونه که شیخ یوسف بحرانی می‌نویسد: امامت زنان در نماز نافله برای زنان اشکالی ندارد و اتفاق فقیهان بر جواز آن است، اما دربارهٔ امامت ایشان برای زنان در نمازهای فریضه (واجب) اختلاف وجود دارد.[1]

وی آن‌گاه ادامه می‌دهد که: رأی مشهور، بلکه صاحب تذکره ادعای اجماع کرده است، جواز امامت زنان برای زنان در نمازهای فریضه(واجب) است، اگرچه برخی همانند ابن‌جنید و سیدمرتضی مخالفت کرده و قائل به منع هستند.[2]

در استفتایی که دربارهٔ امامت زنان برای زنان از فقهای معاصر شده است پاسخ ایشان را این‌گونه می‌توان دسته‌بندی کرد: أ. جواز مشروط به شرایطی که برای امامت جماعت مرد لازم است؛ همانند صحیح‌بودن قرائت و عدالت و...،[3] ب. جواز مشروط به جلوتر قرارنگرفتن از صف اول،[4] ج. کراهت و

۱. بحرانی، الحدائق الناضرة، ۸۷/۱۱.

۲بحرانی، الحدائق الناضرة، ۱۸۷/۱۱.

۳. به عنوان نمونه: ر.ک: وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ۲۴۲/۲؛ مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ۸۶/۱، س۲۵۴؛ نوری همدانی، هزار و یک مسئلهٔ فقهی، ۵۶/۱، س۱۹۹.

۴. شبیری زنجانی، المسائل الشرعیه، ص ۲۶۱، سیستانی، منهاج الصالحین، ۲۶۵/۱.

احتیاط در ترک است،[۱] د. مبانی سنتی در این سنخ از مباحث، چنان بر ذهن پـاره‌ای فقیهـان سـیطره داشـته است که حتی به تصرف در ظواهر نصوص پرداخته‌اند و از اطلاقات و عموماتی؛ همچون «يَـا أَيُّهَـا الَّـذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِن يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُـمْ إِن كُنـتُمْ تَعْلَمُـونَ»[۲] دست بردارند که عمومیت تکلیف حتی بـدون هزینـه‌کردن، از قواعـدی همچـون قاعـدهٔ اشـتراک درخـورِ استفاده است: و سخن از وجوب نمازجمعه بر بالغ و عاقلِ مرد و آزاد و... بگویند.[۳]

**امامت زنان برای زنان و مردان:** اما دربارهٔ امامت زنان برای زنـان و مـردان همان‌گونـه کـه اشـاره شـد فقیهان چون ذکورت(مردبودن) را شرط می‌دانند لذا معتقدند: «فلایجوز اقتداء الرجـال بالنسـاء...»[٤] دلیـل فقیهان هم همان گونه که کاشف‌الغطاء گزارش کرده است عبارت است از: «للاجماع و الأخبار».[٥]

یکی از فقیهان معاصر که همراهِ با رأی مشهور در شرط ذکـوره بـرای امـام جماعـت اسـت، می‌گویـد: جایزنبودن امامت زنان برای مردان ظاهراً حکمی قطعی است، هرچند من روایت معتبری که بر ایـن حکـم دلالت کند ندیدم.[٦] پرسش این است: پس از فحص دلیل و نیافتن دلیل معتبری بر این حکم آیا می‌تـوان بـا تمسک به ذوق شارع یا عموماتی دیگر به‌راحتی نیمی از انسان‌ها را از حقی عمومی که بیش از آنکه عبـادی باشد که اجتماعی است، محروم کرد؛ در امامت جمعه برای زنان نیز چالش همین است. به نظـر می‌رسـد وقتی زنان از حضور در نماز با حکم برخی به کراهت حضور یا با توصیهٔ برخی به عدم‌حضور و مردانه‌دیدن این عملِ اجتماعی و عبادی محروم می‌شوند، روشن است که نمی‌توان از مقولـه‌ای بـه نـام امامـت جمعـهٔ اشتراک برای اثبات این جایگاه برای هریک از زن و مرد یاد کرد.[۷] بدون توجه به واقعیت‌های عصری صدور و نزول روایات، آیا نمی‌توان پاره‌ای از این روایات را بدان دلیل دانست که به‌صـورت طبیعـی چـون ابتـدای شکل‌گیری دین و دینداری است هنوز آن‌قدر زنان آماده برای این‌گونه جایگاه نبوده‌اند که تبدیل به یک مسئله شود؟ آیا نمی‌توان گفت این آموزه‌ها برای آن بوده است که فرهنگ جامعه هنوز آمادگی اصلاحات بنیادین را نداشته است؟

۱. موسوی گلپایگانی، توضیح المسائل، ۲۵۳، م۱٤٦۲؛ صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ۲۱۱/۱، م۱۲٤۲.
۲. جمعه: ۹.
۳. کلباسی، نُخبه، ۲۰٦.
٤. کاشف‌الغطاء نجفی، انوار الفقاهة، ٤۸٥/۱.
٥. کاشف‌الغطاء نجفی، انوار الفقاهة، ۱/ ٤۸٥.
٦. منتظری، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة، ۳٦۱/۱.
۷. منتظری، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة،۱/ ٤۳۷.

### ۳. ۳. چالش‌های معطوف به حقوق خانواده

چالش‌های جدی در این باب را می‌توان در ساحت‌هایی همچون؛ مدیریت خانواده، حقوق جنسی زن و مرد، معیشت خانواده و بحث حقوق مالی زوجه، روابط فرزندان و والدین و... تعریف کرد که برای نمونه از دو ساحت مدیریت خانواده و حقوق جنسی زن و مرد یاد خواهد شد و چالش‌های مهم این دو، طرح خواهد شد.

**أ. زن و مدیریت خانواده در رویکرد سنتی:** زن در خانواده چه نقشی دارد؟ در مدیریت خانواده و بحران‌های آن، زنان چه ظرفیتی دارند؟ آیا در فقه سنتی اولاً، از ظرفیت زنان در مدیریت و حل بحران‌های خانوادگی بهره گرفته می‌شود؟ و ثانیاً، میزان بهره‌گیری از ایشان چگونه است؟

به نظر می‌رسد باتوجه‌به مبانی پیش‌گفته در فقه سنتی و اعتقاد فقیهان سنتی به نقصان زنان به‌صورتی طبیعی نباید منتظر بهره‌گیری از توانمندی زنان بود. فقه سنتی همچنان زنان را پس از ازدواج و تشکیل خانواده همانند پیش از تشکیل خانواده نیازمند به قیم و سرپرست می‌داند و وقتی در نهاد خانواده، وی همچنان نیازمند قیم است، به‌صورت طبیعی نباید انتظار نقش‌آفرینی جدی را داشت.

سنت‌گرایان، جنسیت را مقوم انسانیت می‌دانند و رابطهٔ آن را با هویت انسانی بسیار فربه تعریف می‌کنند، لذا حقوق انسانی را به آن گره زده و معتقدند حداقل نیمی از انسان‌ها که زنان هستند نه‌تنها ذاتی ناخودبسند دارند، بلکه همیشه نیازمند سرپرست و کنترل‌کننده‌ای هستند. تا زمانی که تن به ازدواج نداده‌اند و باکره‌اند، تمشیت امور اصلی و حداکثری وی با پدر یا یکی از اولیای پدری است و آن‌گاه که ازدواج می‌کند تمشیت امور وی به‌صورت حداکثری تحت قیمومت همسر است، به‌گونه‌ای که به فتوای بسیاری از ایشان مستحب است مرد زن را در خانه زندانی کند و اجازه ندهد که وی به بیرون برود، مگر برای اموری که ضروری است.[1]

یکی از مصادیقی که چالشی خانوادگی است و فقه سنتی نه‌تنها در آن از ظرفیت زنان بهره نگرفته است، بلکه به‌راحتی آنان را نادیده انگاشته است؛ بحث نشوز در خانواده است.

فقیهان البته نشوز را در خصوص هر دو رکن خانواده؛ یعنی مرد و زن متصور دانسته‌اند،[2] ولی در درمان ناشزه دو گونه رفتار داشته‌اند.

فقیهان سنتی آیهٔ مربوط به درمان نشوز را از همان اول متوجهِ زنان دانسته [3] و گویا فرض گرفته‌اند که

---

۱. طباطبائی، عروة الوثقی، ۴۸۳/۵؛ حکیم، مستمسک العروة، ۱۱/۱۴

۲. محقق سبزواری، کفایة الأحکام، ۲۶۶/۲

۳. محقق سبزواری، ۲۶۷/۲.

این آیه راهکاری در اختیار مردان است. شهید اول و به‌تبع ایشان، شهید ثانی در درمان نشوز مرد را خطـاب قرار داده و در درمان می‌گویند: ۱. حوّل ظهره الیها فی المضجع، ۲. ثم اعتزلها...،۳. فاذا امتنعت من طاعته فیما یجب له ضربها... .[۱] ولی ایشان در صورت ناشزه‌شدن مرد می‌گویند که زن باید اقامهٔ دعوا نـزد حـاکم ببرد تا حاکم وی را ملزم به رعایت حق زن کند و به‌تصریح پاره‌ای دیگر از فقیهان، حق زدن یا دوری‌گزیدن از مرد برای زن ثابت نیست.[۲]

این رأیِ فقهی همان‌گونه که روشن است چالش‌های جدی دارد، بـه‌ویژه در جهـان جدیـد کـه هرگونـه تعرض جسمی اگرچه به نام تأدیب بدنی حتی در خصوص فرزندان را نمی‌پذیرد و آن را ناکارآمد می‌داند.

نکتهٔ مهمی که در این‌گونه آرای فقهی مدِّنظر نیست، اذن زدن زن توسـط مـرد و نسـبت آن بـا تـوهین و احساس حقارت زنان است. جالب‌تر آنکه شهید ثانی در توضـیح رأی شـهید اول دربـارهٔ زدن زنـان ناشـزه می‌نویسد: اگر با زدن آرام، زن از نشوز برگشت که هیچ و الا تدرج الی الأقوی فالأقوی.[۳]

**ب. زن و چالش حقوق جنسی:** چالش دیگر رویکرد سنتی در حقوق زنان، بحث حقوق جنسـی زن و مرد است.[٤] در این مقوله در فقه اسلامی آرا و اقوال مختلفی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را این‌گونه گزارش کرد:

۱. مشهور فقیهان شیعی، حق جنسی زنان را هر چهار ماه قمری یک‌بار می‌دانند که بیش از آن زن حـق مطالبه ندارد و مرد هم موظف به تأمین نیست.[۵]

۲. برخی فقیهان شیعی از الزام مرد به بیش از ایـن بـه میزانـی کـه زن را از انحـراف حفـظ کنـد، دفـاع کرده‌اند.[٦]

مشهور فقیهان شیعی، فقیهان سنتی، حق جنسی زنـان را زمان‌منـد کرده‌انـد و آن را بـیش از یک‌بـار در چهار ماه بر مرد واجب نمی‌دانند.[۷] اما دربارهٔ حق جنسی مردان نسبت به زنان، زمان، مکان، آمادگی روحی و... مدِّنظر نبوده است و در تمکین ایشان مطرح نیست،[۸] تنها مانع حق جنسی مردان وجـود مـانع شـرعی

---

۱. شهید ثانی، الروضة البیهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ٤۲۸/۵.
۲. محقق سبزواری، کفایة الأحکام، ۲۷۰/۲.
۳. شهید ثانی، الروضة البیهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ٤۲۸/۵.
٤ . شفیعی و همکاران، تاریخ‌نگاری تحلیلیِ تغییر نگاه به شخصیت و حقوق زنان پساپیامبر (موردپژوهشی؛ زن در عصر اُمویان)»، پژوهشنامه تاریخ، ٤۷-٦۸.
۵. حب‌الله، المرأة فی الفکر الإسلامی المعاصر قضایا و اشکالیات، ۳۳۵.
٦. طباطبائی، عروة الوثقی، ۸۱/۲.
۷. نراقی، مستند الشیعة، ۷۷/۱۶.
۸. محقق حلی، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۳٤۷/۲؛ اراکی، ۷٤۲.

است.[۱] مردان، نه‌تنها بسط قلمروِ حق جنسی دارند، بلکه راهکار تعدد ازدواج و در آموزه‌های شیعی ازدواج موقت را نیز دارند.

این رأی، چالش‌های متعددی دارد که از آن جمله می‌توان به رأی یکی از فقیهان معاصر در نقد رأی مشهور فقیهان اشاره کرد که می‌گوید: تشریع ازدواج برای پاک‌ماندن هریک از زن و مرد در برابر آلودگی به زناست و این رأی فقیهان در ناحیهٔ زنان، تأمین‌کنندهٔ این دغدغه شارع نیست... و بر اساس این قول (رأی مشهور در حق جنسی) آیا برای ازدواج فایده‌ای برای زنان باقی می‌ماند؟[۲] شاید به همین دلیل است که پاره‌ای از فقیهان معاصر، سخن از مشابهت حق جنسی برای زن و مرد گفته‌اند؛ یعنی هریک از زن و مرد را موظف به تأمین نیاز جنسی طرف مقابل دانسته‌اند.[۳]

## نتیجه‌گیری

باتوجه‌به آنچه گفته شد به گمان نگارندگان با رفوگری‌های موضعی آرای فقهی، به‌معنای نوآوری و بازسازی موردی که در جامعهٔ پیرامونی دچار چالش شده و تغییر و تحولات مصلحتی تک‌مسائل و تک‌فروعات فقهی، نمی‌توان اولاً حقوق زنان در جهان جدید را تأمین کرد و ثانیاً از ظرفیت ایشان در ساحت‌های عمومی زیستِ انسانی بهره کامل و مناسب برد.

به همین دلیل می‌توان رویکرد فقه سنتی با همهٔ خوانش‌های موجود در آن در ساحت حقوق زنان را برای نقش‌آفرینی در جهان جدید، به بازخوانی در مبانی و پیش‌فرض‌هایش دعوت کرد؛ چراکه نوآوری‌های موردی شاید در هر عصری پاسخ‌گوی چالش‌های آن لحظه باشد، ولی در طول تاریخ، فقه به جایی می‌رسد که رفوشدگی بر ذات فقه سیطره پیدا کند و هویت خود را از دست بدهد.

این رویکرد که طولانی‌ترین نگاه فقهی به جهان است و مشروعیتی حداکثری در جهان دارد و می‌تواند در جهان جدید نیز رقیبی جدی برای رویکردهای نوپیدا باشد، برای آنکه زیستی پرهیمنه داشته باشد باید چالش‌های فراروی خویش را که پاره‌ای از آن‌ها در این جستار اشاره شده‌اند به رسمیت بشناسد و پاسخی برای آن‌ها تدارک ببیند.

سنت‌گرایی در جهان جدید برای آنکه هزینهٔ زیستن انسان معاصر را که در مصاف با مدرنیته به رنجی مضاعف گرفتار شده است، کم کند و رنجی بر شانه‌های انسان پیرامونی‌اش نیفزاید، می‌تواند به بازخوانی

---

۱. خمینی، رسالة توضیح المسائل، ۲۶۳.

۲. فضل‌الله، کتاب النکاح، ۳۳/۱

۳. فضل‌الله، کتاب النکاح، ۳۳/۱تا۳۸، ۱۶۴تا۱۷۴، فضل‌الله، دنیا المرأة، ۹۳تا۹۴.

دستگاه معرفتی خویش با بهره‌گیری از ره‌آوردهای عقلانی، علمی و تجربی انسان معاصر بپردازد.

## منابع


قرآن کریم

ابن‌ابی‌جمهور، محمدبن‌زین‌الدین. عوالی اللّئالی العَزیزیة فی الأحادیث الدّینیة. قم:سید الشهداء. ۱٤۰۳ق.

ابن‌ادریس، محمدبن‌احمد. السرائر. قم: مؤسسهٔ نشر اسلامی. چاپ‌دوم، ۱٤۱۰ق.

ابوالصلاح حلبی، تقی‌بن‌نجم. الکافی فی الفقه. اصفهان: مکتبة الإمام امیرالمؤمنین. ۱۳٦۲.

اراکی، محمدعلی. کتاب النکاح. قم: نورنگار. ۱۳۷۷.

اصفهانی، مهدی. ابواب الهدی. مترجم: حسین مفید. تهران: منیر. چاپ‌اول، ۱۳۸۹.

امیرزاده جیرکُلی، منصور. «مشتری‌انگاریِ زوج در احادیث باب نکاح و پیامدهای آن در آرای فقهای امامیه». فقه و اصول، س٥٤، ش ۱٤۱، ۱٤۰۱، ص ۲۹-٥٤. doi: 10.22067/JFIQH.2021.71271.1143

انصاری، مرتضی‌بن‌محمدامین. کتاب النکاح. قم: باقری. چاپ‌اول، ۱٤۱٥ق.

بحرانی، یوسف‌بن‌احمد. الحدائق الناضرة. قم: مؤسسهٔ نشر اسلامی. چاپ‌دوم، ۱٤۱٤ق.

بروجردی، محمدحسین. جامع احادیث الشیعة. قم: علمی، ۱۳۹۹ق.

پوپر، کارل ریموند. اسطورهٔ چارچوب (در دفاع از علم و عقلانیت). مترجم: علی پایا، تهران: طرح نو. چاپ‌سوم، ۱۳۸۹.

جعفریان، رسول. رسائل حجابیة. قم: دلیل ما. چاپ‌دوم، ۱۳٦۸.

جناتی، محمدابراهیم. ادوار فقه و کیفیت بیان آن. تهران: کیهان. چاپ‌اول، ۱۳۷٤.

جوادی آملی، عبدالله. حق و تکلیف در اسلام. قم: اسراء. ۱۳۸٤.

حائری، شهلا. المتعه. بیروت: شرکة المطبوعات. ۱۹۹٦م.

حب‌الله، حیدر. المرأة فی الفکر الإسلامی المعاصر قضایا و اشکالیات. بیروت: الإنتشار العربی. چاپ‌اول، ۲۰۱٤م.

حر عاملی، محمدبن‌حسن. وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم: آل‌البیت. ۱٤۱٦ق.

حسینی طهرانی، سیدمحمد. کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین. مشهد: بی‌نا. ۱٤۱٥ق.

ـــــــــــــــــ مطلع الأنوار. طهران: مکتب وحی. چاپ‌اول، ۱٤۳۳ق.

ـــــــــــــــــ ترجمهٔ رسالهٔ بدیعه. مشهد: علامه طهرانی. چاپ‌دوم، ۱٤۱۸ق.

حکیم، سیدمحسن. مستمسک العروة. قم: دار التفسیر. ۱۳۹۱.

حکیم‌پور، محمد. حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد. تهران: نغمهٔ نواندیش. چاپ‌دوم، ۱۳۸٤.

حکیمی، محمدرضا. مکتب تفکیک. قم: مرکز بررسی‌های اسلامی. ۱۳۷۳.

خباز، محمد. صورة المرأة فی التراث الشیعی. بیروت: الإنتشار العربی. ۲۰۰۹م.

خمینی، روح‌الله. رسالهٔ توضیح المسائل، حواشی: سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی. قم: نجات، ۱۳۹۷.

خویی، ابوالقاسم. التنقیح فی شرح العروة الوثقی. مقرر: علی غروی تبریزی. قم: لطفی. ۱٤۰۷ق.

ذوعلم، علی. «تأملی در مفهوم چالش»، ماهنامهٔ زمانه. س۴، ش۳۶، ۱۳۸٤، ص۳۴تا۳۷.

ذویب، حمادی. جدل الأصول و الواقع. بیروت: دار المدار الإسلامی، ۲۰۰۹م.

رزاقی، حجت، محسن آرمین. بیم‌ها و امیدها، تهران: همشهری، ۱۳۷۸.

رضوی، سیدمسعود. در مسیر سنت‌گرایی سیدحسین نصر و... . تهران: علم. ۱۳۹۱.

سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. تحقق جامعهٔ مدنی در انقلاب اسلامی ایران. تهران: مجموعهٔ مقالات. ۱۳۷۶.

سیستانی، سید علی. منهاج الصالحین.مشهد: پیام طوس( مکتب آیه الله العظمي السید السیستاني)، ۱٤٤۰ق.= ۱۳۹۷.

شبیب الموسوی، سیدبلاسم. الجهد الأصولی عند العلامة الحلی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. چاپ‌اول، ۱۳۹۲.

شبیری زنجانی، سیدموسی. المسائل الشرعیه. قم: انتشارات مدرسه فقهی امام محمد باقر(ع)،۱۳۹۷.

شبیری زنجانی، سیدموسی. کتاب النکاح. قم: بی‌نا. ۱۳۷۷.

شفیعی، علی، منصور امیرزاده جیرکُلی و محمدرضا کاظمی گلوردی. «تاریخ‌نگاری تحلیلیِ تغییر نگاه به شخصیت و حقوق زنان پساپیامبر (موردپژوهشی؛ زن در عصر اُمویان)»، پژوهشنامه تاریخ،س ۱٦، ش ٦۳، ۱٤۰۰، ص ٤۷-٦۸.

شمس‌الدین، محمدمهدی. مسائل حرجه فی فقه المرأة: الستر و النظر. بیروت: المنار. چاپ‌اول، ۱۹۹٦م.

شهید ثانی، زین‌الدین‌بن‌علی. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: چاپخانهٔ علمیه. چاپ‌دوم، ۱۳۹۵ق.

صاحب‌جواهر، محمدحسن‌بن‌باقر. جواهر الکلام. تهران: دار الکتب الإسلامیة. چاپ‌هفتم، ۱٤۳۲ق.

صاحبی، محمدجواد. مناسبات دین و فرهنگ در جامعهٔ ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۸۴.

صانعی، یوسف. مقاربات فی التجدید الفقهی. مترجم: حیدر حب‌الله. بیروت: الإنتشار العربی. چاپ‌اول، ۲۰۱۰م.

صدر، محمد. ماوراء الفقه. قم: احیاء الکتب الإسلامیة. ۱٤۳۷ق.

ـــــــــــــ. منهج الصالحین. قم: احیاء الکتب الإسلامیة. ۱٤۳۷ق.

صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم. الأسفار الأربعة. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۸۱.

طباطبائی، محمدکاظم. عروة الوثقی. قم: مؤسسهٔ نشر اسلامی. ۱٤۲۰ق.

طوسی، محمدبن‌حسن. المبسوط فی فقه الإمامیة. قم: دار الکتاب الإسلامی. چاپ‌اول، ۱۹۹۲م.
عراقی، ضیاءالدین. کتاب القضاء: شرح تبصرة المتعلمین. محقق: محمدهادی معرفت، قم: مهر. چاپ‌اول، بی‌تا.
عسکری، حسن‌بن‌عبدالله. معجم الفروق اللغویة. قم: مؤسسهٔ نشر اسلامی. چاپ‌اول، ۱٤۱۲ق.
عظیمی‌نژادان، شبنم. زن، معمار جامعهٔ مردسالار. تهران: اختران. چاپ‌اول، ۱۳۸٤.
علامه حلی، حسن‌بن‌یوسف. تذکرة الفقهاء. قم: آل‌البیت. ۱٤۰۰ق.
ــــــــــــــــ ارشاد الأذهان إلی احکام الإیمان. قم: جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه، ۱٤۱۰ق.
ــــــــــــــــ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة. چاپ‌اول، ۱٤۱۲ق.
علم‌الهدی، علی‌بن‌حسین. الإنتصار. نجف: مطبعة الحیدریة. ۱۳۹۱ق.
علی‌بن‌موسی، امام هشتم. فقه الرضا. قم: آل‌البیت. ۱٤۰٦ق.
فاضل کاظمی، جواد. مسالک الأفهام. قم: مرتضوی، ۱٤۲۹ق.
فرج، ریتا. امرأة الفقهاء و امرأة الحداثة: خطاب اللامساواة فی المدونه الفقهیة. بیروت: دار التنویر. ۲۰۱۵م.
فضل‌الله، سیدمحمدحسین. دنیا المرأة. بیروت: دار الملاک. چاپ‌چهارم، ۱۹۹۸م.
ــــــــــــــــ کتاب النکاح. به‌قلم: جعفر الشاخوری. بیروت: دار الملاک، ۱٤۱۷ق.
ــــــــــــــــ الإجتهاد بین اسر الماضی و آفاق المستقبل. بیروت: المرکز الثقافی العربی. چاپ‌اول، ۲۰۰۹م.
فنایی، ابوالقاسم. اخلاق دین‌شناسی. تهران: نگاه معاصر. چاپ‌اول، ۱۳۸۹.
فیض‌کاشانی، ملامحسن. عقبات الدنیا. قم: ذوی القربی. چاپ‌دوم، ۱٤۲۷ق.
فیومی، احمدبن‌محمد. مصباح المنیر. قم: دار الهجرة. ۱٤۱٤ق.
قوسی، مفرح. حکم الإختلاط. بی‌جا: بی‌نا. بی‌تا.
کاشف الغطاء نجفی. حسن‌بن‌جعفر. انوار الفقاهة. قم: المرکز العالی للعلوم و الثقافة الإسلامیة. چاپ‌اول، ۱٤۳٦ق.
کلباسی، محمدابراهیم. نخبه (رسالهٔ عملیهٔ فارسی). تهران: امیرکبیر. ۱۳۹۰.
گلپایگانی، سیدمحمدرضا. کتاب القضاء. قم: شریعت. چاپ‌دوم، ۱٤۱۳ق.
لوید، ژنویو. عقل مذکر (مردانگی و زنانگی در فلسفهٔ غرب). مترجم: محبوبهٔ مهاجر. تهران: نی. چاپ‌سوم، ۱۳۸۱.
مجلسی، محمدتقی‌بن‌مقصودعلی. روضة المتقین. قم: دار الکتاب الإسلامی. ۱٤۲۹ق.
مجموعهٔ مؤلفان. فقه المرأة: دراسة نقدیه و منطلقات التجدید المنهجی. بیروت: مرکز الحضاره لتنمیة الفکر الإسلامی. چاپ‌اول، ۲۰۰۸م.
ــــــــــــــــ مؤتمر النص الشرعی: القضایا و المنهج. عربستان: جامع القصیم. چاپ‌اول، ۱٤۳۷تا۱٤۳۸ق.

محسنی، محمدآصف. القضاء و الشهادات. قم: سیدالشهداء. ١٤٠٤ق.

محقق حلی، جعفربن‌حسن. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: اسماعیلیان. چاپ‌دوم، ١٤٠٨ق.

ـــــــــــــــــــ. المختصر النافع فی فقه الإمامية. قم: مطبوعات دینی، ١٤١٨ق.

محقق سبزواری، محمدباقربن‌محمدمؤمن. کفاية الأحکام. محقق: مرتضی واعظی اراکی. قم: مؤسسهٔ نشر اسلامی. ١٣٨١.

مرتضوی، سیدضیاء. نگاه فقهی به حضور زنان در عبادت‌های جمعی. تهران: معاونت فرهنگی شورای سیاستگذاری ائمهٔ جمعه. ١٣٨٨.

مطهری، مرتضی. نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا. چاپ‌چهل‌ویکم، ١٣٨٤.

مفید، محمدبن‌جعفربن‌نعمان. المقنعة. بی‌جا: محمدتقی‌بن‌محمدمهدی تبریزی. ١٣٧٤.

مقری، محسن. «قدرت خدای پویشی: چالش الهیات پویشی در مسئلهٔ شر»، معرفت کلامی. س١٠، ش٢٢، ١٣٩٨، ٥١تا ٦٥.

مکارم شیرازی، ناصر. استفتائات جدید. قم : مدرسة الإمام علي بن أبي طالب (علیه السلام)، ١٤٢٧ق.

ملکیان، مصطفی. «الإسلام و النسوية سيادة الرجل»، مجلهٔ نصوص معاصره. بیروت: مرکز البحوث المعاصرة. س٢، ش ٦، ٢٠٠٦م، ص١٢١تا ١٤٠.

ملکیان، مصطفی. مشتاقی و مهجوری. تهران: نگاه معاصر. چاپ‌چهارم، ١٣٩١.

منتظری، حسینعلی. دراسات فی ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية. قم: دار الفکر. چاپ‌اول، ١٤١١ق.

مهریزی، مهدی. شخصیت و حقوق زن در اسلام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ‌اول، ١٣٨٢.

موسوی غروی، سیدمحمدجواد. مبانی حقوق در اسلام. تهران: نگارش. چاپ‌دوم، ١٣٩٦.

نراقی، احمدبن‌محمدمهدی. مستند الشیعة. قم: آل‌البیت. چاپ‌اول، ١٤١٥ق.

نصر، سیدحسین. اسلام سنتی در دنیای متجدد. مترجم: محمد صالحی. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی. ١٣٨٦.

نصیری، منصوره. «بررسی آموزهٔ کمال الهی در الهیات پویشی»، مجلهٔ قبسات. س٢٣، ش٢٣، ١٣٩٧، ص٨٩تا ١١٩.

نوری همدانی، حسین. هزار و یک مسئلهٔ فقهی.قم :مهدی موعود (عج)، ١٣٨٨.

همتی، همایون. «مقایسهٔ الهیات معاصر با الهیات سنتی»، مجلهٔ معرفت ادیان. س٢، ش٤، ١٣٩٠، ص ٣١تا ٥٠.

وحید خراسانی، حسین. منهاج الصالحین. قم: مدرسه امام باقرالعلوم (ع)، ١٣٩٨.